



اول ماه مه، روز جهانی کارگر، گرامی باد!

"سپیده باز دمید

اول ماه مه است ..."

بار دیگر در آستانه روز جهانی کارگر قرار داریم. امسال نیز کارگران ایران در شرایطی روز جهانی خود را پاس می‌دارند که رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی همانند سال‌های پیش با اعمال سرکوب‌های وحشیانه از برگزاری آزادانه جشن روز کارگر جلوگیری می‌کند و به کارگران اجازه نمی‌دهد آزادانه روز جهانی خود را پاس دارند. دلیل این امر روشن است:

روز جهانی کارگر روز نمایش رزم خستگی ناپذیر طبقه کارگر علیه سرمایه داران می‌باشد. در این روز کارگران و طرفداران‌شان با برگزاری میتینگ‌ها و تجمعات کارگری، اتحاد مبارزاتی خود را به نمایش می‌گذارند. درست به دلیل در هم شکستن این اتحاد آزادانه است که دیکتاتوری حاکم تاکنون از هیچ ترفندی برای ممانعت از برگزاری جشن روز کارگر توسط کارگران مبارز ایران و مدافعان‌شان کوتاهی نکرده است.

با گرامی داشت روز جهانی کارگر و با درود به کارگران مبارزه ایران که از بدو روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی (مدافع سرمایه‌داران داخلی و خارجی) همواره برای تحقق خواسته‌های برحق خویش علیه این رژیم مبارزه کرده‌اند به چند نکته مهم در رابطه با وضعیت کنونی کارگران و مبارزات‌شان در ایران اشاره می‌کنیم:

به درستی گفته شده است که "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات می‌باشد" به واقع تنها کارگران متشکل در ارگان‌های صنفی و سیاسی خود قادر به مبارزه پرتیر علیه ظلم و ستم و اجحافات سرمایه‌داران می‌باشند. اما بورژوازی حاکم بر ایران که از تجارب ضدانقلابی بورژوازی جهانی برخوردار است با همه توان کوشیده است از تشکل و سازمانیابی کارگران جلوگیری کرده و هر گونه تشکل طبقاتی را از کارگران سلب نماید.

در سال‌های طولانی سلطه جمهوری اسلامی، کارگران ایران در جهت ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری دست به اقدامات متعددی زده‌اند. اما تلاش‌های آنان هر بار با زندان و شکنجه و ترور پاسخ گرفته است. در جریان انقلاب ضدامپریالیستی و ضدسلطنتی سال ۱۳۵۷، در یک شرایط انقلابی، کارگران در سراسر ایران دست به ایجاد تشکل‌هایی زدند که به نام "شورا" معروف شد. اما عمر این شوراها با قدرت یابی و تثبیت تدریجی رژیم دیکتاتور جمهوری اسلامی بسیار کوتاه بود و دیکتاتوری حاکم در اولین اقدامات ضد انقلابی خود این شوراها را در هم کوبید. با سرکوب توده‌های انقلابی و انقلاب آنان، جمهوری اسلامی تشکل‌های خود ساخته‌ای را در محیط‌های کار جایگزین تشکل‌های کارگری کرد و آنها را "شوراهای اسلامی" نامید. این شوراها به واقع تشکل‌های ضدکارگری اسلامی در محیط کار می‌باشند که وظیفه سرکوب هر نوع حرکت مبارزاتی کارگران در محیط کار را به عهده دارند و خود یکی از موانع ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری در ایران می‌باشند.

رژیم جمهوری اسلامی که بیانگر دیکتاتوری طبقه سرمایه دار در ایران می‌باشد در طول حاکمیت ننگین خود نه تنها برای جلوگیری از سازمان‌یابی کارگران به خشونت‌بارترین روش‌های سرکوب توسل جسته است بلکه حتی از سرکوب خشونت بار اعتصابات مسالمت آمیز کارگران به منظور کسب حقوق اقتصادی پامال شده خویش نیز اجتناب نکرده است، آن‌هم در شرایطی که کارگران گاه چندین ماه دستمزد پرداخت نشده از سرمایه‌داران طلب دارند. اما حاصل سرکوب مبارزه صنفی کارگران توسط دیکتاتوری حاکم، تبدیل این مبارزه اقتصادی به مبارزه سیاسی در شکل مبارزه علیه خود رژیم شده است؛ به این معنا که کارگران با آگاهی به پشتیبانی جمهوری اسلامی از سرمایه داران، در طی تجمعات یا

راهپیمائی‌های خود رژیم دیکتاتور حاکم را مورد برخورد قرار داده و در شعارها و بنرهایشان مخالفت خود را با جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضد کارگری آن آشکار می‌سازند. این شکل از مبارزات سیاسی کارگران در اکثر موارد با سرکوب نظامی مأموران مسلح رژیم مواجه می‌شود و ارگان‌های امنیتی رژیم کارگران را مورد برخوردهای خشونت‌بار خود قرار می‌دهند.

در شرایط عدم وجود تشکلهای طبقاتی متعلق به کارگران، بروز اتحاد طبقاتی کارگران ایران به ناچار در جریان اعتصابات و مبارزات آنان به نمایش گذاشته می‌شود. اما به رغم همه مبارزات کارگری که وسیعاً در سراسر ایران جریان دارد دست کارگران مبارز ایران به دلیل پراکندگی صفوفشان در مقابل سرمایه‌داران و رژیم حامی‌شان (جمهوری اسلامی) تا حد زیادی خالی است.

فقدان تشکلهای مستقل کارگری و عدم وجود سازمانی از انقلابیون حرفه‌ای قدرتمند مدافع منافع طبقه کارگر، دست رژیم جمهوری اسلامی را در پیشبرد سیاست‌های کارگرسستیزانه و از جمله در تعیین حداقل دستمزد که هر سال ظاهراً با توجه به نرخ تورم موجود تعیین می‌شود باز گذاشته است. اگر به تلاش‌های رذیلانه این رژیم در تعیین حداقل دستمزد برای امسال نگاه کنیم خواهیم دید در شرایطی که بنا به ارزیابی‌های خود نهادهای جمهوری اسلامی و گزارش خبرگزاری‌های دولتی "خط فقر برای یک خانوار چهار نفره حدود ۲۵ میلیون تومان است" حداقل دستمزد کارگران "۸ میلیون و ۲۰۸ هزار تومان" تعیین شد. این بدان معناست که امسال دولت رئیسی، آگاهانه شرایط حیات فاجعه بار اکثریت کارگران را چند درجه بیشتر به زیر خط فقر سوق داد. تازه باید دانست که مبلغ تعیین شده برای حداقل دستمزد تنها شامل کارگرانی می‌شود که مشمول قانون کار می‌باشند و کارگرانی که جمهوری اسلامی آنها را از شمول قانون کار خارج ساخته است (به خصوص زنان کارگر) مجبور به فروش نیروی کار خود به مبالغی بسیار کمتر از این حداقل خواهند بود. در مورد کارگران مشمول قانون کار هم اگر دریافته‌های دیگر آنان همچون حق اولاد و بن خواربار و ... را در نظر بگیریم دریافتهای کارگران متأهل و دارای دو فرزند مشمول قانون کار در سال آینده ۱۱ میلیون و ۱۰۷ هزار تومان خواهد بود که باز با خط فقر تعیین شده حدود ۲۵ میلیون تومان برای خانواده کارگری چهار نفره فاصله زیادی دارد. تازه مطابق گفته یکی از اعضای شورای عالی کار، دولت از دستمزد بالای ۱۰ میلیون تومان، ۱۰ درصد مالیات خواهد گرفت. به این ترتیب ده درصد از همین حداقل حقوق ۱۱ میلیون تومانی برای یک خانواده کارگری هم کسر شده و دو باره به حساب دولت برگردانده می‌شود. روی این نکته هم باید تأکید کرد که بورژوازی دندان گرد ایران همین دستمزد ناچیز را هم تماماً به بخش بزرگی از کارگران نمی‌دهد و همواره بخشی از آن را به میل خود تصاحب می‌کند. در چنین اوضاعی جای تعجب نیست وقتی گفته می‌شود که کارگران ایران با دستمزدی که می‌گیرند حتی قادر به بازتولید نیروی کار مصرف شده خود نیستند و به همین دلیل هم اکثر کارگران به اضافه کاری‌های کمرشکن و یا شغل دوم روی می‌آورند. به این ترتیب سرمایه‌داران زالو صفت با اتکاء به نیروی عظیم ذخیره کار یعنی کارگران بیکار، این کارگران را با مرگ زودرس مواجه می‌سازند.

با توجه به شرایط بسیار دردناکی که کارگران ما با آن مواجه هستند افزایش دستمزد و پرداخت به موقع آن در صدر مطالبات طبقه کارگر ایران قرار دارد و اکثر مبارزات کارگران برای این منظور صورت می‌گیرد. اما دستیابی به این مطالبات به دلیل پراکندگی صفوف کارگران و فقدان تشکلهای مستقل کارگری و با اهمیتی بیشتر به دلیل نبود سازمان سیاسی کارگران، در توازن قوای کنونی بین کارگران بدون تشکل با سرمایه‌داران و دولت حامی‌شان اگر غیرممکن نباشد امر ساده‌ای نیست.

کارگران شدیداً تحت ظلم و ستم ما در مقابل سرکوب‌های ددمنشانه جمهوری اسلامی، این حافظ شمشیر به دست نظم سرمایه‌داری وابسته حاکم بر ایران چاره‌ای جز تشدید مبارزات خود علیه سرمایه‌داران و نظم ظالمانه حاکم ندارند. مبارزه و مبارزه و باز هم مبارزه تنها وسیله ایست که به آنها امکان می‌دهد نه تنها از زندگی و شرافت کارگری خود دفاع نمایند، بلکه با تجربه آموزی و کسب

آگاهی‌های هرچه بیشتری خود را برای پیکارهای سترگی آماده کنند که هدف آن اساساً رهائی کارگران از بند استثمار باشد.

تجربه سال‌ها مبارزات کارگران در سراسر جهان نشان داده است که رهائی کارگران تنها به دست خود آن‌ها امکان‌پذیر است و برای این منظور کارگران آگاه و روشنفکران کمونیست موظف به یاری به طبقه کارگر برای ایجاد صف مستقل خود می‌باشند. در این مسیر نه تنها مبارزه برای بهبود شرایط کار و ارتقای سطح زندگی بلکه مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و پیشبرد امر انقلاب جهت رسیدن به سوسیالیسم وظیفه بزرگی است که در مقابل کارگران ما قرار دارد. در شرایطی که انقلاب علیه وضع ظالمانه موجود تنها راه رهائی است و این انقلاب بدون رهبری طبقه کارگر به نتیجه نمی‌رسد وظیفه کارگران آگاه و روشنفکران طبقه کارگر است که در این راستا گام بردارند.

مبارزه در جامعه ایران که تحت سلطه امپریالیستها قرار داشته و سیستم سرمایه داری وابسته بر آن حاکم است و اعمال دیکتاتوری از سوی حکومت ذاتی آن می‌باشد، به ابزار خاص خود نیاز دارد. از این رو کارگران آگاه، همدوش با روشنفکران انقلابی وظیفه دارند با ایجاد تشکلهای مخفی که در شرایط ایران الزاما باید تشکل سیاسی- نظامی باشد و با توسل به قهر انقلابی به مقابله با قهر ضد انقلابی جمهوری اسلامی برخاسته و شرایط را برای سازمانیابی هر چه وسیع‌تر طبقه کارگر مهیا کنند.

با شادباش روز جهانی کارگر بکوشیم با تشدید مبارزات خود در مسیر رهائی طبقه کارگر از ستم و استثمار، سهم و نقش خود را ایفاء کنیم.

**زنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر!
پیروز باد مبارزات کارگران جهان علیه نظام سرمایه داری!
نابود باد رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی!
پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!**

**چریکهای فدایی خلق ایران
۱۲ آپریل ۲۰۲۴ برابر با ۲۴ فروردین ۱۴۰۳**